■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسئول: مهدی گیوه‌کی

دوشنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۱ | ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ | ۲۰ صفحه | سال بیست‌وسوم - شماره ۶۳۴۹ | Monday - Nov 7, 2022

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹ ■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱
■ دورنگار تحریریه: ۲۳۰۰۴۴۳۳ ■ سازمان توزیع: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۶۱۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰ ■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰
■ تلفن گویا: ۲۳۰۰۴۴۴۴ ■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم
■ شاپا: ISSN1735-3637 ■ پایگاه اطلاع‌رسانی روزنامه: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

امروز در تاریخ

- وفات استاد علی‌اکبر مالک/۱۳۷۷
- زادروز عبدالعلی دستغیب، منتقد و مترجم/۱۳۱۰
- زادروز آلبر کامو، نویسنده فرانسوی/۱۹۱۳
- زادروز ویشکا آسایش، بازیگر ایرانی/۱۳۵۱

واحه

گر آرزوی وصلش پیرم کند مکن عیب
عیب است از جوانی کاین آرزو ندارد
شهریار

اوقات شرعی

اذان ظهر: ۱۱:۴۸	غروب آفتاب: ۱۷:۰۴
اذان مغرب: ۱۷:۲۳	نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۰۵
اذان صبح (فردا): ۵:۰۷	طلوع خورشید (فردا): ۶:۳۳

پیشخوان

ستاره‌ها چیدنی نیستند

زنان دارای ظرفیت و قدرت فوق‌العاده‌ای هستند، مهم این است که این ظرفیت در چه مسیری صرف شود. جان آدامز، دومین رئیس جمهور آمریکا می‌گفت با مطالعه تاریخ دولت‌ها و زندگی و رفتار آدم‌ها به این نتیجه رسیدیم که رفتار زنان قابل‌اعتمادترین شاخص برای ارزیابی میزان پایبندی یک ملت به اخلاق و پاکدامنی است. یعنی اگر بخواهیم یک جامعه را بسنجیم، باید به زنان آن جامعه نگاه کنیم. آن جمله معروف امام(ره) که فرمودند از دامن زن، مرد به معراج می‌رسد یا در جای دیگری که می‌فرمایند سعادت و شقاوت ملت‌ها به زنان بستگی دارد؛ ناظر بر همین امر است. اینها بخشی از گفته‌های محمدعلی حبیب‌اللهیان، نویسنده کتاب «ستاره‌ها چیدنی نیستند» است که انتشارات معارف آن را منتشر کرده است. محمدعلی حبیب‌اللهیان در این کتاب سراغ قالب رمان رفته و آن را مثل یک مقاله علمی بیان می‌کند تا به کمک منابع معتبر، تصویر حجاب و پوشش اسلامی را از نگاه دختران ساکن آمریکا طراحی کند. کتاب با روایت جلسات و فعالیت‌های یک مؤسسه آمریکایی به‌اصطلاح مدافع حقوق زنان آغاز می‌شود. مؤسسه‌ای که زیرنظر وزارت خارجه این کشور، تعدادی از مخالفان حجاب را گرد هم آورده تا با تخریب چهره اسلام و سیاه‌نمایی علیه نگاه و رویکرد جمهوری اسلامی نسبت به زن، به‌زعم خودش زنان مسلمان را نجات دهد. سارا ولی در لابه‌لای فعالیت‌هایش در این مؤسسه، گرفتار تعارضات فکری و سؤالات هویتی می‌شود و ذهن جست‌وجوگرش، پای او را به مرکز مطالعات اسلامی نیویورک می‌کشاند؛ مرکزی که در بدو ورودش او را متوجه عکس‌نوشته‌ای از آیت‌ا... بهجت می‌کند با این مضمون که: «ما به‌این دنیا آمده‌ایم تا قیمت پیدا کنیم، نه‌این‌که به‌هر قیمتی زندگی کنیم.» سارا که شخصیت اصلی این کتاب است در ادامه خانمی چادری را می‌بیند که به اذعان دوستش، «حجابش زبان بدنش را لال کرده است.» سارا با این تعارضات فکری و سؤالات هویتی و... به‌همراه دوستش «ماشا» وارد سلسله نشست‌های «برای همه خانم‌های دنیا» می‌شود که در این مرکز تدارک دیده شده است. سخنران در اولین جلسه نشست از نگاه سیاه به زن می‌گوید؛ نگاهی که قبل از مسیحیت آغاز شده و تا قرون وسطا و عصر صنعتی و هم‌اکنون، بی‌محابا ادامه دارد. او سپس از نگاه سفیدی می‌گوید که آن هم به‌قدمت نگاه سیاه اما کم‌رمق‌تر از آن، ادامه داشته است. لیکن در عصر پس از ظهور اسلام از آن مهجوریت خارج شده و حالا در عصر انقلاب اسلامی با مشی تهاجمی به‌تقابل با نگاه سیاه برخاسته است.

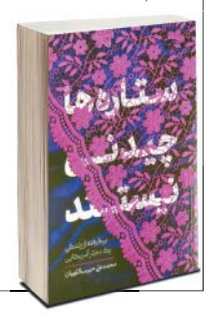

هوا را از من بگیر بازی‌ام را نه!

داده‌های پژوهشی درباره گیمرهای ایرانی برای ما چه معنایی دارد؟

دیروز وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با استناد بر پیمایش صورت گرفته توسط بنیاد بازی‌های رایانه‌ای اعلام کرد: «حدود ۳۳ میلیون بازیکن بازی‌های رایانه‌ای با متوسط سن ۲۲ سال فعال هستند که این افراد روزانه بیش از یک ساعت و نیم وقت خود را صرف بازی‌های رایانه‌ای می‌کنند.» آخرین پیمایش صورت گرفته توسط این بنیاد مربوط به سال ۹۸ است که تا حدودی گفته‌های محمدمهدی اسماعیلی را تایید می‌کند اما تنها افزایش تعداد گیمرهای ایرانی نیست که باید در این پیمایش مورد مداقه قرار بگیرد. اساسا صنعت بازی در زیرمجموعه صنایع فرهنگی از مواردی بوده که کمتر مورد توجه مهندسین سیاست‌های فرهنگی قرار گرفته و پیمایش‌های مستندی همچون گزارش بنیاد بازی‌های رایانه‌ای، می‌تواند مبنای درستی در تصمیم‌گیری در این سیاست‌ها باشد اما این پیمایش شامل چه داده‌هایی است؟ و مهم‌تر این‌که این داده‌ها چه آورده‌های مفیدی برای ما دارد؟

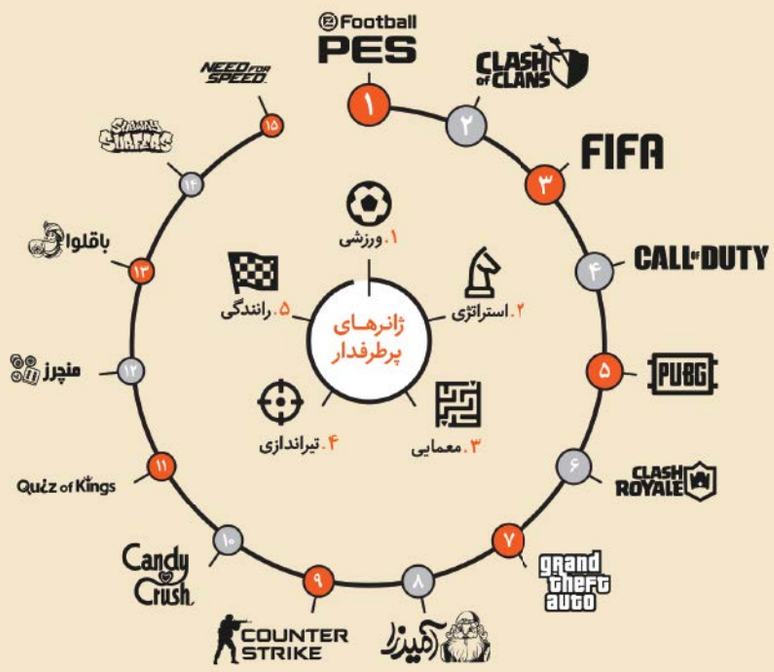

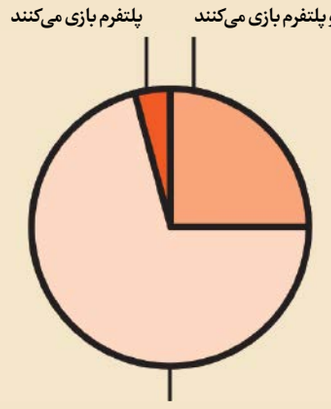

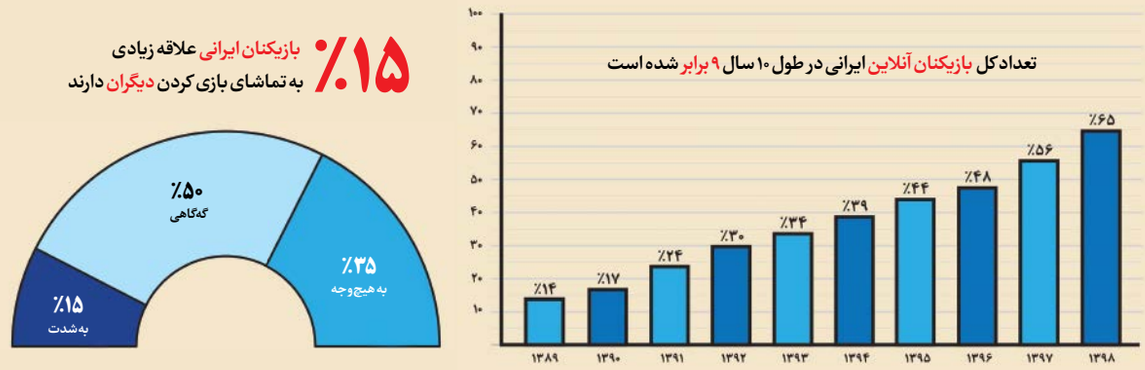

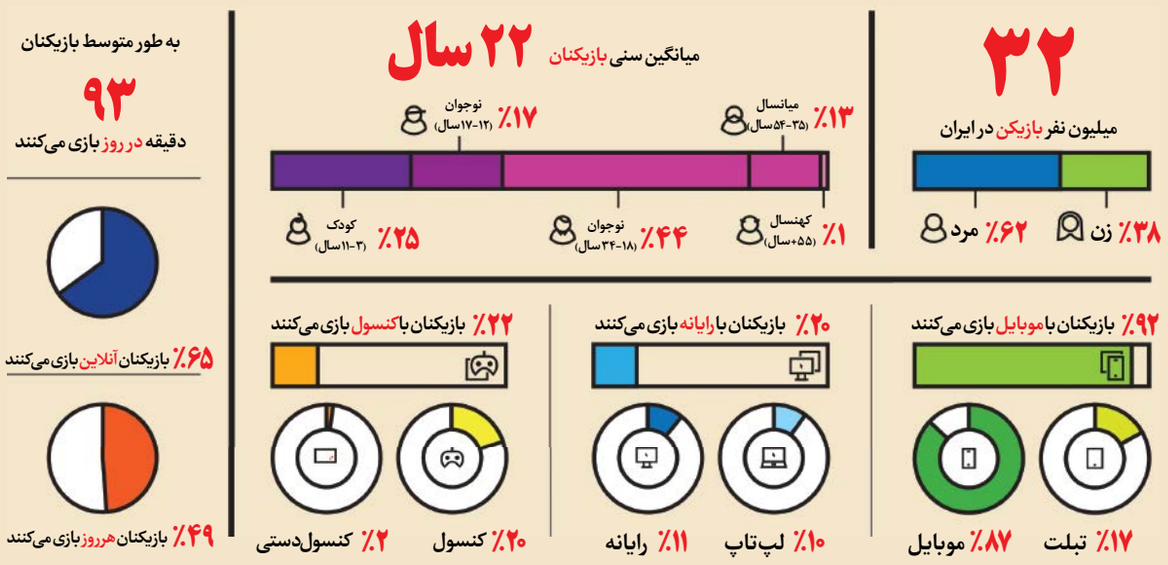

حکمت

امام حسین(ع)

عقل، جز با پیروی از حق، کامل نمی‌شود.

اعلام‌الدین

نکته روز

بی‌قانونی‌هایی که آدم می‌کشد

آمار هولناک وزارت بهداشت از عدم اجرای قانون هوای پاک

بر اساس مطالعه وزارت بهداشت در ۲۷ شهر با جمعیت تقریبا ۳۵ میلیون نفر، مشخص شد در سال ۱۴۰۰ میزان مرگ‌های منتسب به ذرات معلق در کشور، ۲۰ هزار و ۸۰۰ نفر بوده است که از این میان سهم تهران ۶۴۰۰ مرگ اعلام شد. دکتر عباس شاهسونی، رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت با اعلام این آمار گفته است: «ناظر اجرای قانون هوای پاک، سازمان محیط زیست است و وزارت بهداشت هم وظایف خاص خود را مطابق این قانون برعهده می‌گیرد. گزارشی اواخر سال ۱۴۰۰ از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شد که نشان داد از بین مواد مختلف قانون هوای پاک و آیین‌نامه فنی این قانون، ۲۲ ماده یا اصلا اجرا نشده یا به شکل ضعیف اجرا شده است و ۱۷ ماده متوسط و ۱۷ ماده هم به‌خوبی اجرا شده است. با توجه به این گزارش، وزن کیفیت اجرای قانون هوای پاک ضعیف یا متوسط است؛ زیرا برخی از مواد قانونی اصلا اجرایی نشده‌اند.» نکته مهم در گفته‌های او این است که در حالی سالانه ۶۵۰۰ نفر کشته می‌شوند که ۲۲ ماده از قانون هوای پاک اساسا اجرایی نشده است! گفته‌های این مسئول وزارت بهداشت ممکن است برای برخی از کارشناسان تازگی نداشته باشد اما حالا که از زبان گفته‌های یک مسئول وزارت بهداشت اعلام می‌شود، هولناک می‌شود. بگذارید به برخی از سرفصل‌های این آمار اشاره کنیم. عباس شاهسونی گفته است: «ما ۱۱/۵ میلیون موتورسیکلت در کشور داریم که ۹۰ درصد از این تعداد فرسوده است و عمدتا معاینه فنی آنها انجام نمی‌شود.» این گفته را بگذارید کنار گزارش‌های رسمی از سهم ۵۶ درصدی آلاینده‌های سیار در تهران. یا در رابطه با کم‌کاری نهادها در اجرای قانون هوای پاک که حالا می‌دانیم وزارت نفت از بدتعهدترین‌هاست چرا که طبق قانون هوای پاک، وزارت نفت موظف بوده است روزانه ۷۰ میلیون لیتر بنزین یورو۴ تولید کند و از این میزان تنها روزانه ۳۰ میلیون لیتر بنزین یورو۴ تولید می‌شود که فاصله زیادی با حد مقرر در قانون دارد. آمار عجیب‌تر در رابطه با دور زدن اجرای طرح ترافیک است که قرار بوده تاثیر آشکاری بر آلودگی تهران داشته باشد اما حالا رئیس گروه سلامت هوا و تغییر اقلیم وزارت بهداشت می‌گوید: «اکنون در شهر تهران تقریبا ۵۰ درصد دوربین‌هایی که نصب هستند کد جریمه ندارند؛ یعنی ۵۰ درصد احتمال دارد افرادی که وارد طرح می‌شوند، جریمه نشوند.» این کم‌کاری‌ها و بی‌توجهی‌ها به قانون در حالی در حال وقوع است که تهران در سال گذشته تنها دو روز هوای پاک را تجربه کرده است و در مقابل ۶۴۰۰ نفر در پایتخت در همان سال به‌دلیل آلودگی هوا جان باخته‌اند. وضعیت در شهرهای دیگر هم بهتر از پایتخت نیست و شهرهای مشهد، اهواز، اصفهان و کرج هم کمتر از ۱۰ روز هوای خوب داشتند.

پرسه

جمع بی‌شرف‌ها کامل شد!

جمع «بی‌شرف‌ها» در خارج کشور جمع است. خواننده لس‌آنجلسی که تلاش می‌کند خود را یک فعال سیاسی هم نشان دهد، در استرالیا طعم ادبیات و خشونت هم‌کیشانش را چشید. گوگوش پس از کنسرتش در سیدنی، با جمعیتی از هم‌مسلکانش روبه‌رو شد که بر سرش فریاد می‌زدند: «خجالت بکش بی‌شرف!» این ادبیات فرهیخته در اعتراض مدنی به این مسأله بود که چرا کنسرت برگزار کرده است! گوگوش آن‌قدر تحت‌تأثیر احساسات فرهیخته دوستانش قرار گرفته است که با اضطراب به‌سمت ماشینش می‌رود تا مشت و لگد دوستانش شامل حالش نشود!

در هفته‌های گذشته اجتماعاتی که مخالفان جمهوری اسلامی با حضور تجزیه‌طلبان و بعضا هواداران همجنس‌گرایی در خارج از کشور برگزار کردند صحنه‌های تراژیک و کمدی فراوانی را رقم زده است، تراژیک از این جهت که انسان با دیدن رفتار و ادبیات ماقبل عصرحجری بسیاری از آنان که حداقل به‌فارسی صحبت می‌کنند، سرافکنده می‌شود و کمدی از این بابت که برخی از اینها که جمهوری اسلامی را به بدرفتاری متهم می‌کنند، در اجتماعات مدنی‌شان! کمتر از فحش کش‌دار به ناموس یکدیگر آرام‌شان نمی‌کند! برخی‌شان هم اعتراض می‌کنند که «اصلا چرا می‌گویید ناموس؟» مخمصه بدی برای لات‌های کوچه‌خلوت سیاست در خارج از کشور بروز کرده است؛ بعد از گوگوش و مهناز افشار و تعدادی دیگر از چهره‌ها که با واقعیت رفقا و هم‌کیشان‌شان مواجه شدند، ساسی‌مانکن، خواننده مستهجن هم لقب خود را از مخاطبانش گرفت؛ آنها که برای دقایق مستمری، او را بی‌شرف صدا می‌زدند و به برگزاری کنسرتش اعتراض می‌کردند.

این اعتراض‌ها ادامه داشت تا آن‌که نهایتا پلیس این مخاطبان ساسی‌مانکن را از کنسرتش بیرون کرد! اما احتمالا صدای این لقب‌گذاری تا پایان کنسرت در گوشش بود. مخمصه از آن‌جهت که همه منطق اینها سرمایه‌داری و شهرت‌پرستی و پول‌پرستی است؛ لذا با همان منطق هم لاطائلات سیاسی می‌گویند ولات کوچه‌خلوت می‌شوند.

برای دیدن این ویدئو کیوآرکد زیر را اسکن کنید

چهارراه

همبازی‌های خانوادگی

بازیگرانی که لذت همبازی شدن با فرزندان‌شان را چشیده‌اند

همین دیروز هالیوود ریپورتر نوشته است که قرار شده مایکل داگلاس با پسرش کامرون در پروژه سینمایی «گره خونی» بازی کند. داستان این فیلم درباره پدر و پسری است که از هم جدا شده و رابطه از هم پاشیده‌ای دارند و سعی می‌کنند در یک مسابقه ماهیگیری با هم همراهی کنند. این اولین باری نیست که بازیگران مشهور با فرزندان‌شان همبازی می‌شوند هر چند شاید خانواده داگلاس‌ها در این زمینه بی‌رقیب باشند اما بوده‌اند بازیگران مشهور دیگری که لذت همبازی‌شدن با فرزندان‌شان را چشیده‌اند. اما ماجرای خانواده داگلاس این است که فرزندان در جلوی دوربین سینما کم از پدران نداشتند. هر چند میانگین موفقیت این فیلم‌ها عموما نشان از عدم استقبال مخاطبان از این حضور خانوادگی دارد اما بوده‌اند آثاری که اتفاقا همین حضور فرزندان باعث شده فیلم بیشتر به چشم بیاید. نکته جالب دیگر که به نوعی مشترک در اغلب این فیلم‌هاست این‌که فرزندان بازیگران در فیلم‌ها هم در نقش فرزندان مادران و پدران بازیگرشان حضور دارند و همین موضوع باعث شده آنها چالش چندانی برای حضور در پیش روی دوربین نداشته باشند. این سلسله خانوادگی بازیگری در خانواده داگلاس‌ها تا جایی پیش رفته که حتی فیلمی با حضور پدربزرگ (کرک داگلاس) پدر (مایکل داگلاس) و فرزند (کامرون داگلاس) هم ساخته شده است. بازیگران مشهور بسیاری این لذت را چشیده‌اند، از مریل استریپ گرفته تا کلینت ایستوود که به چهار مورد آن پرداختیم.

در جست‌وجوی خوشبختی

ویل اسمیت شاید معروف‌ترین بازیگری نباشد که با فرزندش در یک فیلم همبازی شده اما بدون شک از موفق‌ترین‌هاست. ویل اسمیت و پسرش جیدن اسمیت در فیلم «در جست‌وجوی خوشبختی» سال ۲۰۰۶ یک زوج سینمایی فراموش نشدنی ساختند. جیدن کوچک در حالی که تنها هشت سال داشت قلب مخاطبان سینما را تسخیر کرد. نوع ارتباط میان این دو در فیلم باعث شکل‌گیری یک رابطه تأثیرگذار پدر و پسری در برابر دوربین شد. فیلم داستان واقعی کریس گاردنر سیاهپوست، خرده‌فروش اسکنرهای پزشکی در سال ۱۹۸۱ است که به همراه لیندا و پسر کوچکش، کریستوفر، در سانفرانسیسکو زندگی بسیار سختی دارند.

غروب

مریل استریپ به‌طور قطع یکی از بهترین بازیگران تاریخ سینماست و در تمامی فیلم‌هایش توانایی استثنایی خود در بازیگری را اثبات کرده. دختر او، میمی، از این نظر چندان از مادرش عقب نیست، گرچه فعلا او را فقط در چند فیلم دیده‌ایم. اولین فیلمی که میمی و مادرش در آن باهم ظاهر شدند، «غروب» نام داشت اما در فیلم «ریکی وفلش» بود که این مادر و دختر در آن ترکیب توانایی‌های خود را به رخ کشیدند. نکته جالب که از حضور همزمان این دو در فیلم‌ها وجود دارد این است که هر کدام شخصیت مستقل از دیگری را به نمایش می‌گذارند و فرزند هیچ‌گاه در سایه پررنگ مادر قرار نگرفته است.

راکی

روابط والد و فرزندی در فیلم‌ها با آگاهی از این‌که در دنیای بیرون از فیلم‌ها هم این ارتباط به نوعی دیگر در جریان است باعث شده این سؤال مطرح شود که چقدر از این روابط در سینما واقعی است، این سؤال درباره سیلوستر استالونه جدی‌تر است چرا که او خالق شخصیت‌های خیالی همچون راکی و رمبو است. دور از ذهن است که تصور کنیم کسی او را نشناسد. «راکی بالبوا» یکی از به یادماندنی‌ترین مشت‌زن‌های تاریخ است، گرچه در اصل یک شخصیت خیالی است. در میان تمام اپیزودهای این مجموعه فیلم، «راکی ۵» ریتم کندتری داشت اما یک ویژگی چشمگیر آن همبازی شدن سیلوستر استالونه با پسر بزرگش، سیج بود.

باک هاوارد بزرگ

کمتر چهره‌ای در سینما وجود دارد که به اندازه تام هنکس از درجه موفقیت و محبوبیت برخوردار باشد. تنوع ژانری شگفتی که در کارنامه کاری‌اش وجود دارد (از بازی در فیلم‌های کودکان گرفته تا فیلم‌های جنگی موفق) باعث شده جزءجزء توانایی‌های او در سینما به چشم بیاید. مؤلفه‌هایی که او را به نوعی بی‌رقیب کرده است. تام هنکس بی‌رقیب در سال ۲۰۰۸ در فیلم «باک هاوارد بزرگ» با پسرش، کالین همبازی شد. جالب آن‌که در این فیلم نقش اصلی را کالین به‌عهده داشت، نه تام. کالین نقش مرد جوانی را بازی می‌کرد که از پدرش سرپیچی و دانشگاه را رها کرد تا به‌دنبال رؤیای خود که تبدیل شدن به یک نویسنده بزرگ بود برود.